

پژوهشی در سیاق سوره مائده از طریق نظم فراخطی

(با تأکید بر آیات اکمال دین، ولایت و تبلیغ)

دکتر علی جلائیان اکبرنیا^۱ - محمدامین انسان^۲

چکیده

نظریه پیوستگی متنی و کارکرد واژه‌ها در متن، از رویکردهای مهم زبان‌شناختی است. در این جستار، علاوه بر روش انسجام خطی آیات، برآنیم با نگاهی نو به سوره مائده و به‌ویژه سه آیه اکمال دین، ولایت و تبلیغ، هدف هدایتی سوره و ارتباط سیاقی را با توجه به نظم فراخطی و شبکه‌ای اثبات کنیم. عوامل اثبات‌کننده در انسجام متنی در سوره عبارت‌اند از: کشف و اثبات ارتباط معنایی و ساختاری میان واژگان پرکاربرد، کشف عناصر انسجام متن که قادر می‌سازد هر قطعه‌ای از گفتار یا نوشتار به عنوان یک متن واحد ایفای نقش کند. این عناصر عبارت‌اند از: استطراد، حسن مطلب و تکرار واژگان کلیدی سوره. در نتیجه، با توسل به عوامل انسجام‌بخش متنی، ارتباط سیاقی در بخش‌های آیه اکمال دین و نیز در کل سوره مائده اثبات می‌گردد و نظریه عدم ارتباط سیاقی رد می‌شود. در این جستار از روش تحلیلی بهره گرفته شده است.

کلید واژه‌ها: انسجام متن، نظم فراخطی، سیاق سوره مائده، آیه اکمال دین.

1. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

2. کارشناس ارشد تفسیر اثری و طلبه سطح سه حوزه علمیه (نویسنده مسئول).

ensan.amin@yahoo.com

مقدمه:

قرآن از آن جهت که کتاب هدایت است^۱، پیوستگی و ارتباط منسجم متنی در آن ضروری است. چینش آیات و سوره‌ها، جمله‌بندی‌ها، استفاده از آرایه‌های ادبی و... با هدف هدایتی ایجاد شده است. به همین دلیل، تدبیر آیات قرآن، همان خواسته خداوند از انسان قلمداد گردیده است.^۲

نام‌گذاری کتاب و سوره بر مجموعه آیات نازل شده بر پیامبر از سوی باری تعالی در جای جای مصحف شریف و همچنین تحدی بربیک سوره (بقره/۲۳) و ده سوره (هود/۱۳) نیز، حاکی از مجموعه‌ای هماهنگ و منسجم است. هر چند آیات قرآن در طول ۲۳ سال نازل شده، ولی دلیلی بر عدم انسجام و پراکندگی موضوعی آیات نداریم. بنابراین پیوستگی در آیات قرآن ضروری است، اما در خصوص سوره مائده، برخی بر عدم پیوستگی و بی‌ارتباط دانستن دسته‌ای از آیات با دسته دیگر و یا مقاطعی از یک آیه اعتقاد دارند. این نظریه، حاصل نگاه خطی و طولی به آیات است که در سیر مطالعاتی مفسران وجود داشته است، اما آیا می‌توان با توجه به رویکردهای زبان‌شناختی که در عصر حاضر به وجود آمده، با نگاهی فراخطی به موضوع نگریست؟ آیا می‌توان با در نظر گرفتن نظم حلقوی و محتوایی و با کمک عناصر انسجام متنی، سیاق واحد و پیوستگی متنی را اثبات کرد؟ در این پژوهش، برآنیم تا لزوم پیوستگی آیات اکمال دین، ولایت و تبلیغ را در موضوع ولایت با توجه به نظم ساختاری و دستوری زبان‌شناسی اثبات کنیم.

۱. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲). «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره/۱۸۵).

۲. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص/۲۹).

پیشینه پژوهش

از جمله کتاب‌های اولیه در علم مناسبت می‌توان به البرهان فی مناسبه ترتیب سور القرآن تألیف علامه ابو جعفر بن زبیر و از کتاب‌های معاصر نیز می‌توان به نظم الدرر فی تناسب الآی و السور تألیف شیخ برهان الدین بقاعی اشاره کرد. جستارهای متعددی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده، لیکن رویکرد عمده این‌ها از طریق روایات به شکلی سطحی به موضوع انسجام و ارتباط آیات است که با فراز و نشیب‌های فقه الحدیثی و اسنادی همراه بوده است، مانند مقالات «بررسی تناسب آیه اکمال از دیدگاه شیعه»؛ «دین و سیاست: اکمال دین و اتمام نعمت (بهشتی، ۱۳۹۲: ۱۳-۲۱)»؛ «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها درباره دیدگاه شیعه (نجارزادگان، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۵۹)؛ از طرفی، برخی پژوهشگران با رویکرد زبان‌شناسی به موضوع نگرسته و کمتر به مصادیق موردی و کشف رابطه فراخطی توجه نموده‌اند، همانند جستارهای: (تبیین فهم آیه اکمال دین بر اساس نظم فراخطی قرآن، (قرائی سلطان آبادی، ۱۳۹۶: ۵۳) در این معیارهای تفسیر بر اساس طولی و فراخطی بیان شده، ولی به صورت مصداقی به بررسی واژه‌ها نپرداخته است. آثار دیگر عبارت‌اند از: درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها (ر.ک: شحاته، ۱۳۶۹: ۲۰-۲۷)؛ پیوستگی متنی سوره‌های قرآن (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۲۹) شبکه معنایی قرآن (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۴)، الگوی بازگشتی (ر.ک: ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۷۰)، ساختار هندسی سوره‌ها (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۱-۱۳).

در جستار پیش رو کوشیده شده با الگوگیری از این نگرش، بررسی سیاق با توجه به نظم فراخطی به تصویر رسیده به صورت مصداقی مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش، با ترسیم جدول راه‌های ارتباطی میان آیات و سیاق‌های متعدد به تصویر کشیده شده است. البته این نوع نگرش هنوز جای کار بیشتر و نظریه‌پردازی دقیق‌تر دارد.

ضرورت تحقیق

برخی قائل اند بعضی از آیات از لحاظ سیاق با آیات قبل و بعد از خود، هماهنگی ندارند. بعضی از مفسران مقطع «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (بقره/۳) آیه اکمال دین را از نظر سیاقی با جمله های قبل و بعد مرتبط نمی دانند و جمله ای مستقل در نظر گرفته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۱۶۷) و برخی به انسجام متنی در این آیه معتقدند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۸/۷۳). به نظر می رسد، با توجه به رویکرد زبان شناسی و توجه به عناصر انسجام متن می توان نگاهی به رابطه آیات در شبکه معنایی همگون های خود داشت و به اصطلاح، با نگاه فراخطی به آیات، انسجام متن را اثبات کرد. در تفسیر آیات می توانیم از دو الگوی خطی و به اصطلاح طولی که روش پیشینیان است و یا از الگوی فراخطی و یا به اصطلاح حلقوی استفاده کنیم. هر چند بهره وری از هر دو الگو نیز می تواند ره گشا باشد. در نگاه فراخطی به آیات می توان به کمک عناصر زبان شناسی رابطه میان آیات را کشف کرد. در این رویکرد، حتی آیاتی را که در نظم خطی خود و در ظاهر از سیاق هماهنگی برخوردار نیستند، می توان هماهنگ دانست. بنابراین، می توان آیات را با روش تحلیل و تطبیق ساختارهای متوازن در مسیر فرایند فهم درست قرار داد (قرائی سلطان آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

در این مسیر بر این باوریم که نگاه شبکه ای و دارای نظم به این دست از آیات می تواند فهم واقع بینانه تری به دست دهد؛ زیرا هر متن و گفتار، نظامی زبانی است که از مناسبات و روابط درونی خاصی تشکیل شده است. کار مفسر، درک این مناسبات و روابط درونی در یک سامانه زبانی (متن) است. (واعظی، ۱۳۸۳: ۳۲).

با این روش می توان ثابت کرد که جمله های به ظاهر معترضه، با ارائه موضوع های با محوریت نزدیک به هم و تصویرها و آرایه های ادبی در هم پیچیده و چند بُعدی، می توانند از انسجام بالایی برخوردار باشند. شناخت این ساختارهای ادبی و متنی

موجب درک عمیق‌تر و افزایش جذابیت بیشتر متن می‌گردد و تفسیر درستی از آیات در اختیار قرار می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. سیاق در لغت و اصطلاح

سیاق در لغت به معنای راندن و به حرکت درآوردن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۷/۳) و در اصطلاح قرآنی توجه به یکپارچگی لفظی و معنوی جمله‌ها یا آیات به جهت دستیابی به فهم بهتر آیات کریمه که دارای انواعی است، چون: سیاق اظهار، سیاق معرفت، (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۵) و سیاق فضای آیات.

۱.۲. فهم هدایتی

هدف قرآن، هدایت مردمان است. ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره ۲) اگر از زاویه هدایت بودن قرآن به آیات نگریسته شود و ارتباط معنادار آیات دارای یک سیاق مد نظر باشد و همچنین اگر با همین نگاه به آیات در یک سوره و به سوره‌ها در کل قرآن توجه شود، زمینه فهم هدایتی قرآن حاصل می‌گردد؛ چه، قلمرو این‌گونه فهم، نگاه به کل است، نه نگاه به تک تک آیات. به عنوان نمونه، سوره بقره با وجود تنوع در موضوع‌ها و گستردگی آیات، به یک موضوع هدایت می‌کند و آن شیوه بندگی است.

قرآن در مقام تحدی نیز به بُعد هدایتی خویش اشاره می‌نماید و می‌فرماید: ﴿قُلْ فَاتَّبِعُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (قصص ۴۹). نقش هدایتی قرآن محدود به زمان و مکانی خاص نیست، بلکه هدایت قرآن، هدایتی جهانی است. قرآن کریم به جریان‌سازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی هدایت می‌کند. این مهم نیز دست‌یافتنی نیست، مگر با وجود امام و رهبر الهی، بنابراین، امام صادق علیه السلام ذیل آیه ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (اسراء ۹) می‌فرمایند: مراد از آیه، این است که

قرآن هدایت می‌کند به امام و رهبری جامعه: یهدی الی الامام. (کلینی، ۱۳۷۰: ۱/۲۱۶).

۲. موقعیت نزولی سوره مائده

فضای نزول سوره، تأثیر بسیاری در فهم درست تفرافطی آیات دارد. از این رو، لازم است بدانیم که سوره مبارکه مائده در ماه‌های پایانی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و نشانه‌ای از نسخ آیات آن وجود ندارد (رک: ترمذی، ۱۴۰۳: ۴ / ۳۲۶). علامه طباطبایی معتقد است: «احتمال قابل اعتماد این است که سوره مائده در سال حجة الوداع و بعد از فتح مکه نازل شده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۶۰۲) اسلام در این سال به اوج اقتدار خود رسیده بود و مردم گروه‌گروه به اسلام می‌گرویدند. این سال، سالی سرنوشت‌ساز برای جامعه مسلمانان بود؛ چه، نشانه‌هایی از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاصل شده و قرآینی بر احتمال پایان حیات ظاهری^۱ ایشان فراهم آمده بود، ولی برخی نمی‌توانستند این امر را بپذیرند و برخی هم، امر جان‌شینی پیامبر را در ذهن می‌پروراندند. (جلایان، ۱۳۸۸: ۹). آری! سوره مائده در این فضا نازل شده است و تمام بخش‌های آن در این فضا معنا و تفسیر می‌شود.

۲.۱. بحث اصلی سوره

هر اثر و سخن فاخری دارای کانون و نقطه ثقلی است که خالق آن برای یافتن آن نقطه، راه‌هایی را در اثر خویش قرار می‌دهد. با بررسی شبکه معنایی سوره مائده به عبارت‌ها و واژگانی دست می‌یابیم که نشان از غرض سوره و نقطه کانونی آن است. بحث اصلی و نقطه ثقل این سوره، پایبندی به میثاق و عهد و در رأس آن عهد ولایت است که با واژه‌هایی تأکید شده‌اند. بنابراین، کانون توجه سوره عبارت از واژگانی چون

۱. بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (لعلى لا ابقا کم بعد عامی هذا). رک: طبرانی، سلیمان بن احمد،

ولی، نعمت، الیوم، میثاق و تبلیغ است.

۳. تناسب در سوره

تناسبت به معنای پیوند و اتصال دو چیز با یکدیگر، همانندی، قرابت است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴/ ۱۱۸ - ۱۱۹). بررسی دقیق آیات نشان از آن دارد که میان آیات سوره، تناسب وجود دارد. علامه طباطبایی می‌نگارد: «هر سوره، تنها مجموعه‌ای از آیات پراکنده نیست، بلکه وحدتی فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱)، حتی برخی معتقدند پیوستگی آیات قرآنی تا آنجاست که گویی تمامی قرآن، یک سخن بیش نیست. (سیوطی، ۱۳۸۹: ۲/ ۲۸۸).

برای اثبات مناسبت در یک سوره، از روش‌های زبان‌شناسانه کمک گرفته می‌شود، این روش‌ها می‌تواند سبب و تعلیل، تأکید، اعراض و بدل، بیان نمونه و مصداق، تفسیر و بسط، تخصیص عام و تقيید مطلق باشد. در مواردی نیز که میان آیات، تناسب ظاهری دیده نمی‌شود، جنبه‌های دیگر پیوستگی قابل پیگیری است. مانند عطف، تمثیل، تنظیر و تضاد، حُسن تخلص، اقتضاب و حُسن مطلب. سیوطی در مورد آیاتی که در ظاهر کلام از اتصال عطفی و تأکیدی برخوردار نیستند، می‌گوید: «ناگزیر باید محور و رکنی در جمله وجود داشته باشد تا از اتصال اجزای کلام به یکدیگر خبر دهد و آن محور همان قرائن معنوی‌اند که از ارتباط موجود خبر می‌دهد» (سیوطی، ۱۳۸۹: ۳۸۷/۱).

مایکل هالیدی بر این عقیده است که انسجام، ناشی از عناصری است که جزء نظام زبان است (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۱: ۳۰). همچنین عناصر انسجام متن را به پنج دسته تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از: ارجاع، جانمایی، حذف، پیوستگی و ازگانی و ارتباط منطقی جمله‌ها (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

۴. نظم فراخطی سوره

به منظور نگاه فراخطی به این سوره، در نگاه نخست، سوره مائده را در دسته‌هایی با سیاق واحد و سپس ارتباط معنایی بین دسته‌ها را بررسی کرده، پس از آن به عناصر انسجام متنی می‌پردازیم.

جدول شماره یک: نگاهی کلی به دسته‌های آیات در سوره

آیات هم‌سیاق	شمول معنایی درون یک دسته	شبکه معنایی بین دسته‌ها
آیات ۱ تا ۱۴	توجه دادن به وفای به عهد الهی نسبت به حکم، حاکم و آثار دنیوی و اخروی آن و عنایت به میثاق الهی.	بیان عوامل اتمام نعمت و اکمال دین.
آیات ۱۵ تا ۳۴	دعوت اهل کتاب به رسالت پیامبر ﷺ، اتمام حجت در تبعیت از ایشان، هشدار نسبت به مخالفت با او و بیان آثار سوء پیمان شکنی.	نتیجه سرپیچی از دستور رهبران الهی، سرگردانی دنیوی و عذاب اخروی است.
آیات ۳۵ تا ۴۰	رعایت تقوا در عمل به دستورهای دین در پرتو توجه به علم و قدرت خداوند	تقوا و توجه به وسیله‌های قرب الهی و جهاد در راه خدا، سه عامل رستگاری است.
آیات ۴۱ تا ۵۰	رفع نگرانی پیامبر ﷺ و دعوت به حکم ولایی و قضایی بر اساس آنچه خداوند نازل کرده.	تحریف کلام الهی و مطیع نبودن از عوامل عدم تطهیر قلوب کافران است.
آیات ۵۱ تا ۵۸	تحدیر مؤمنان از اولیا قرار دادن اهل کتاب و ترغیب به پذیرش اولیای الهی، بیان مصداق انحصاری ولایت.	خدا و رسولش و مؤمنان، مصداق بارز حزب الله اند.
آیات ۵۹ تا ۶۹	آماده‌سازی پیامبر ﷺ و جامعه برای	انجام مأموریت ابلاغ ولایت،

نمونه عمل به احکامی است که در این دسته تأکید بر آن و ما انزل الله شده است.	اقامه حکم ابلاغ ولایت در مقابل طغیانگری اهل کتاب.	
عصیان و سرپیچی از دستورهای پیامبر موجب دوری و لعن اوست.	بیان علت تولی اهل کتاب از گذشتگان کافرشان، یعنی عدم ایمان حقیقی به خداوند، پیامبر ﷺ و آنچه بر ایشان نازل شده.	آیات ۷۰ تا ۸۶
دستور به اطاعت از خدا و رسولش و در صورت عدم اطاعت، وظیفه پیامبر، جز ابلاغ نیست.	دعوت مؤمنان در جهت عمل به احکام طبق بیان پیامبر ﷺ، فلسفه وجود کعبه، قیام برای دین است. دستور اقامه تورات و انجیل.	آیات ۸۷ تا ۱۰۸
نزول مائده آسمانی، نمونه‌ای از اتمام حجت بر مردم بود؛ همچون دستور ابلاغ دین در این سوره.	بیان امانت‌داری کامل پیامبران در ابلاغ پیام خداوند و کوتاهی مردم در حفظ آن، در قیامت صادقان از صداقتشان سود می‌برند.	آیات ۱۰۹ تا ۱۲۰

در این بخش با نگاه اجمالی به شبکه معنایی میان دسته‌ها در جدول بالا انسجام محتوایی پیرامون موضوع واحد دور از انتظار نیست. موضوع اطاعت از پیامبر و عمل به احکام و دستورهای رهبران دینی و بیان مصادیقی از سرپیچی اقوام گذشته از دستورهای رهبران دینی و آماده‌سازی ذهنی برای ابلاغ امری مهم از جمله این موارد است.

۵. عناصر انسجام متن در سوره مائده

کوچک‌ترین واحد معنایی، جمله و بزرگ‌ترین واحد معنایی، متن است. (امیری خراسانی، ۱۳۹۴: ۸). اجزای متن به نحوی به هم مربوط هستند و برای هدف خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند. در واقع، سخن کاوی و تحلیل گفتمان، از جمله اصطلاحاتی

در زبان شناسی است که به توصیف کلام مرتبط و پیوسته معنا دار بزرگ تر از جمله، شناخت پیوندهای درونی متن و ارتباط داخلی میان بخش های گوناگون و اجزای متن می پردازد. اینک با توجه به این عناصر زبان شناسی به بررسی آیات ناهمگون نما در این سوره می پردازیم.

۵.۱. کاربرد استطراد و حُسن تخلص در سوره مائده

اولین دلیل بر اثبات انسجام متن در سوره مائده، استطراد و حُسن تخلص به عنوان دو نمونه از آرایه های ادبی است. هر چند برخی میان این دو فرقی ننهاده اند؛ چه، این دو به هم نزدیک اند (سیوطی، ۱۳۸۹: ۱/۳۹۰). و برخی مانند ابوالعلاء محمد بن غانم، وجود حسن تخلص در قرآن را به دلیل تکلف بر مخاطب منکر شده و به آرایه ادبی اقتضاب روی آورده اند. اما سیوطی این نظریه را با نمونه های فراوان رد کرده و می گوید: «اقتضاب انتقال از سخنی به سخن دیگر است که با قبل خود مناسبتی ندارد، ولی تخلصاتی در قرآن وجود دارد که عقل ها را به حیرت و می دارد» (سیوطی، ۱۳۸۹: ۱/۳۹۰).

استطراد، یعنی گوینده به یک باره سخن خود را که در موضوعی بیان می کند، رها سازد و مطلب دیگری را طرح نماید و دوباره به سخن آغازین خود، بازگردد. این عمل ممکن است به دلایلی از جمله، رفع ملال و خستگی مخاطب، حُسن خروج از کلام و تأکید سخن اصلی باشد. گاهی نیز سخن استطرادی، مقصود اصلی گوینده است و آنچه پیش تر بیان شده، به مثابه بهانه و زمینه برای سخن استطرادی است (رک: حسینی، ۱۴۲۹: ۵۱۲ - ۵۱۳). این روش در آیه سوم مائده بدین صورت است که پس از طرح حرمت برخی از موارد فقهی، جملات «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ» و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» مطرح می گردد و مجدداً به موضوع قبلی بازمی گردد می نماید و می فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». این شیوه به عنوان یکی از آرایه های ادبی پذیرفته شده، بنابراین، پس از این آیه در آیات بعدی نیز موضوع

حرمت و حلیت خوردنی‌ها ادامه یافته است.

واژه‌ال‌یوم که در آغاز جمله استطرادی در میانه آیه سوم مطرح شده، در ابتدای آیه چهارم نیز تکرار گردید است. این تکرار به وجود نوعی دیگر از ارتباط بین مسئله فقهی خوردنی‌های حلال و حرام و اشاره به روز خاص توجه می‌نماید. در نتیجه، اثبات استطراد در این بخش، دلیل خوبی بر ارتباط و وحدت اسلوب در آیه است، اما نظریه معترضه بودن این بخش از آیه نیز میان مفسران مطرح شده، بنابراین به بررسی و نقد آن می‌پردازیم.

۱.۱.۱. بررسی نظریه معترضه بودن بخش میانی آیه اکمال دین

دو دیدگاه درباره بخش مورد نظر آیه وجود دارد. یک دیدگاه به معترضه بودن این بخش و عدم ارتباطی بین صدر و ذیل آیه (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۸۹؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۲/۳۴۳؛ آلوسی، ۱۴۲۵: ۳/۲۳۴) و دیدگاهی نیز بر عدم معترضه بودن اعتقاد دارند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۸/۷۳). (خطیب، بی‌تا: ۳/۱۰۳۲). (دروزه، ۱۳۸۳: ۹/۲۶). در جمع‌بندی بین دو دیدگاه، می‌توان به این نتیجه رسید که جمله مورد نظر، جمله معترضه‌ای است که به حسب معنا و مفهوم با صدر و ذیل آیه مرتبط است. برای اثبات این نظریه می‌توان به امور زیر توجه کرد:

۱. وجود فاء تفریع در «فَمَنْ اضْطُرَّ» نشان‌دهنده اتصال این بخش آیه به بخش

قبلی آن است. (ابن عاشور، بی‌تا: ۵/۲۸).

۲. در صورتی که اکمال دین به معنای اکمال ولایت باشد، ولایت، جزئی از اجزای

دین تصور شده است. این جزء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند

دین را کامل کند. پس این جمله حکم معترضه‌ای مهم را ایفا می‌کند که با صدر

و ذیل آیه هماهنگ است.

در پی پذیرش ولایت است که می‌توان امید داشت احکام جزئی دین به منصفه

ظهور و عمل برسد. بنابراین، قرآن که درصدد بیان کلیات دین و شریعت است،

به «اتمام دین آغاز شده با نبوت» با «مسئله ولایت» اشاره دارد (ر.ک: فضل‌الله،

۱۴۱۹: ۴۷/۸).

۳. از آنجا که محور کلی سوره مائده، بحث پیمان‌ها و التزام به آن‌هاست، حکم ولایت در بین دیگر احکام واقع شده است (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷۲/۸-۷۳). این جایگاه، نشان‌دهنده این است که همه پیمان‌ها اعم از احکام و نیز بحث ولایت باید مورد توجه قرار گیرد. چه حکم (اجتناب از محرّمات طعام) و چه (اعتقاد به ولایت امام) باشد.

۴. در منطق دینی، رهبری زمانی دارای معناست که از رسوبات جاهلی فاصله بگیرد. بنابراین، در ضمن سخن از عادات جاهلی ممنوع شده، به مسئله رهبری اشاره شد تا مشخص شود رهبری از آیین دینی جدا نیست (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۹۶/۲-۲۹۷). رهبری در عین حال که اساس نظام شمرده شده و رکن اصلی جامعه است، اما زمانی به ظهور می‌رسد که جامعه بشری آن را به رسمیت بشناسد. از طرفی نیز بشر هیچ‌گونه حق تعیین امام را در جامعه ندارد و عموم مردم از شناخت این جایگاه رفیع درمانده‌اند، در نتیجه، این جمله می‌تواند از جهتی معترضه باشد، بدین معنا که سنجش این حکم با دیگر احکام ظاهری شریعت امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، با سایر احکام از نظر صادر آن و ارتباط اجرایی‌اش در جامعه هماهنگ است.

۵. آمیختگی بحث ولایت و احکام فقهی این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که دین فقط در احکام فقهی خلاصه نمی‌شود، بلکه دین و سیاست با هم آمیخته است. (ر.ک: بهشتی، ۱۳۹۲: ۲۰). انحصار دین در مسائل فقهی همان است که مردم عصر نزول مورد غفلت قرار داده بودند.

۵.۲. کاربرد حُسن مطلب در سوره مائده

دومین روشی که دلیل بر انسجام متنی در سوره است، به کارگیری حُسن مطلب است. در این روش، متکلم به نحوی سخن و موضوع بحث را آغاز می‌کند که قدم به قدم ذهن

مخاطب را به مطلب مورد نظر نزدیک می‌سازد تا در نتیجه، به هدف و مقصود خود برسد و عطشی که برای خواننده ایجاد شده است، پس از بیان مقصود آن برطرف می‌گردد. این شیوه در بررسی واژه (ولی) در سوره به خوبی مشهود است. این واژه از آیه ۵۱ تا ۵۷ به صورت زیبا و منطقی مطرح و تکرار شده است. این مراحل در جدول زیر نشان داده شده است، اما مفهوم ولایت و اتخاذ که در این آیات تکرار شده، از نظر مفسران به شرح زیر است:

۱. ولایت به معنای قرب محبت و معاشرت جامع هر دو فایده و هر دو معناست، هم معنای نصرت و هم محبت و امتزاج روحی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۶۰۵).
۲. اتخاذ: اعتماد بر چیزی برای کمک گرفتن از آن (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷ / ۷۰) معنا شده است.

جدول شماره دو: نمونه ای از کاربرد حُسن مطلب

واژه محوری و پرتکرار (در سوره مائده)	تکرار واژه	هدف هدایتی	نتیجه
ولایت / اولیاء / ولی	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ ءَأَوْلِيَاءَ ۚ بَعْضُهُمْ ءَأَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ	دوستی بایهود و نصاری به معنای درآمدن در لشکر آنان است. (جریان باطل).	إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝۵۱ هدایت شامل حال ظالمان نمی‌شود (عاقبت جریان باطل).
إِنَّمَا ءَوْلِيَاكُمْ اللَّهُ وَ رُسُلُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۝۵۵	ولایت حقیقی (جریان حق) منظور از "ولی" در آیه	ولایت منحصرراً از آن خدا و رسولش و مؤمنانش می‌باشد.	

	<p>به معنی سرپرستی و تصرف و رهبری مادی و معنوی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۴۲۴).</p>		
<p>به یقین جریان حزب الله پیروز است. فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ (عاقبت جریان حق)</p>	<p>ولایت پذیری</p>	<p>وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ۝۵۶/</p>	
<p>حفظ تقوا، بهترین واکنش در مقابل جریان باطل است. وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.</p>	<p>نشانه جریان باطل استهزای دین و بازیچه قرار دادن آن‌ها است. (لزوم افزایش بصیرت دینی).</p>	<p>لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ ۝۵۷/</p>	
<p>کفار به دلیل فسقشان قابلیت دوستی را ندارند، حتی از سوی اهل کتاب (وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ).</p>	<p>ایمان و ولایت پذیری کفار با هم جمع نمی‌شود.</p>	<p>وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُواهُمْ أَوْلِيَاءَ ۝۸۱/</p>	

همان طور که مشاهده می‌گردد، در سیر بیان ولایت در مرحله مقدماتی ذهنیتی برای مخاطب ایجاد و به مسئله عدم ولایت‌پذیری از یهود و نصاری و اثرات این عمل پرداخته شده است. در مرحله بعدی، با استفاده از حرف حصر (إِنَّمَا) به موضوع مورد نظر پرداخته است. در مرحله سوم، با ذکر جمله حالیه به ویژگی‌های ریزترین انحصار که همان جمله ﴿وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ است، می‌پردازد.

در این دسته از آیات، دو جریان حق و باطل به طور مدام در آیات ترسیم می‌گردد، این جریان‌ها در سیاق سوره مائده بارها به روشنی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. در این دسته از آیات، جریان (حزب الله) در مقابل جریان باطل قرار گرفته است. اما درباره اتصال این دسته از آیات و ارتباط سیاقی، علاوه بر بحث زبان‌شناسی و تأکید بر استفاده از شیوه حُسن مطلب، تأمل بیشتری نیاز است.

علامه طباطبایی درباره اتصال آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ﴾ به آیه بعد که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...﴾ تردید دارند و مراد از ولایت را در آیه، نهی از ولایت‌پذیری یهود و نصارا، ولایت به نحو محبت می‌دانند و معتقدند مسئله ولایت در آیه ﴿لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ﴾ مطلق است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۰۵/۵). به نظر ایشان آیه ولایت ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾ که پس از این دست از آیات قرار گرفته از نظر سیاقی ارتباطی با یکدیگر ندارند، چراکه در غیر این صورت، ولایت به نحو محبت که در آیات قبل اثبات شده، برای این آیه نیز حمل می‌شود، همان طور که برخی معتقدند، سیاق این آیات با یکدیگر واحد بوده اختصاص ولایت در آیه به امیرمؤمنان مدعای بی‌دلیل است.

دیدگاه برگزیده: در آیه ولایت از قرآینی استفاده شده که ولایت را به طور انحصاری در مورد جریان خاص آن متمرکز می‌کند و می‌توان گفت: آیات قبلی در حکم مقدمه‌ای برای بیان این آیه بوده است؛ همان طور که در صنعت ادبی حُسن مطلب بدان اشاره شد. بنابراین، از این نظر دست کم، سیاق نزدیک به هم دارند و لزومی ندارد که به خاطر

دفع شبهه‌ای، در وحدت سیاق آیات تردید نماییم. این قراین مانند حصر در (انما)، خطاب جمع مذکر (ولیکم) جمله حالیه (و هم راکعون) می‌باشد. با تدبر در آیات مورد نظربه ویژه آیه اکمال و آیه ولایت درمی‌یابیم که چنان سیاق مرتبط و شگفت‌انگیزی وجود دارد که می‌توان گفت: وحدت سیاق، حتی در آیاتی که به نظر می‌رسد به موضوع‌های متفاوت پرداخته‌اند، به وضوح دیده می‌شود و منحصر در وحدت نزول نیست. اگر زاویه دیگری به آیه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که گویا احکامی که در ابتدای آیه وارد شده، جزء آخرین آیاتی است که تنها در سایه وجود امام در جامعه تحقق می‌یابد.

۵.۳. مناسبت آیات یک سوره با ابتدای آن (حُسن مطلع)

سومین دلیل انسجام متنی حُسن مطلع است. برخی براعت استهلال را با براعت مطلع یا حُسن مطلع یا حُسن ابتدا، یکی دانسته‌اند. (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱/۴۱۹). جلال‌الدین سیوطی این مناسبت را از انواع چهارده‌گانه مناسبات در قرآن می‌داند. (سیوطی، ۱۴۰۸: ۲۵) در سوره مائده نیز همین نوع از مناسبت به خوبی دیده می‌شود.

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» در شکل جمع مذکر، در طلیعه سوره مائده واقع شده و این نشان از امر مهمی است که محور این سوره را تشکیل می‌دهد. این شیوه در خطابه نیز دیده می‌شود، بنابراین، در مقاطع دیگر این سوره نیز این جمله ۱۷ مرتبه به کار رفته است. آیات شریفه: (۱، ۲، ۶، ۸، ۱۱، ۳۵، ۴۱، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۸۷، ۹۰، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»: آیه اول امر مؤمنان به وفای به جمیع مواثیق دینی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۱۵۸) و در نمونه‌های بعدی به اموری مانند: مصادیقی از حرمت‌های الهی، حکم طهارات ثلاثه، امر به اقامه عدل، یادآوری توطئه مشرکان در صدر اسلام، امر به ابتغای وسیله به سوی خدا، نهی از ولی گرفتن یهود و نصارا، عاقبت ارتداد از دین، مراقبت از ارزش‌های خود و... دستور می‌دهد. بنابراین، در پی خطاب به

مؤمنان، امر و نهی‌های متنوع صورت گرفته است. با دقت در نهی مؤمنان و آیات پس از آن روشن می‌شود که خداوند پس از نهی از موردی در پی ارائه راه درست است و هدف خاصی دنبال می‌شود.

روشن است که پس از ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ دستورهای فقهی به مؤمنان داده شده است که مصادیق آن اشاره شد و در واقع، پیوندی عمیق بین آن دستورها و موضوع بسیار مهم امامت وجود دارد. چرا که یکی از اهداف اصلی امام، اقامه حدود الهی و تبیین آن است. اما در این میان، دو مرتبه دستور خاص به پیامبر داده شده است و تنها مواردی است که پیامبر با جمله «یا ایها الرسول» مخاطب قرار می‌گیرند.

چه رابطه و تناسبی بین خطابات عمومی و خاص وجود دارد؟

تکلیفی برعهده مؤمنان قرار داده شده و آن بسترسازی مناسب برای اجرای قوانین فقهی و بسط عدالت در جامعه دینی است. این بسترسازی از مباحث اولیه عبادی همانند احکام طهارات ثلاثه، وفای به عهد و میثاق است تا اجرای حدود الهی و احکام ارتداد دینی و همچنین تکلیفی برعهده پیامبر جهت اجرای فرمان الهی و معرفی منصبی که بتوان با آن منصب، قوانین الهی را در جامعه اجرا کرد، قرار داده شده است.

بنابراین، خطاب «یا ایها الرسول» تنها دو مرتبه در قرآن به کار رفته است (مائده ۴۱ و ۶۷). یک آیه زمانی است که پیامبر به خاطر رفتار نفاق گونه ناراحت شده‌اند و دیگر اینکه خداوند با مخاطب قرار دادن پیامبر امر مهمی را دستور و پیامبر را مأمور به ابلاغ آن می‌نماید. این امر به قدری مهم و اساسی است که خداوند به جهت قوت قلب، به پیامبر اطمینان خاطر می‌دهد که خداوند تو را از شر مردم حفظ می‌کند و اگر در امر ابلاغ کوتاهی کنی، رسالتش ناتمام است. این امر همان ولایت است که در هر دو آیه به روشنی دیده می‌شود. منظور از خطاب رسول بر پیامبر به جای نبی، تحریک حس مسئولیت‌پذیری پیامبر و نوعی دلداری و اطمینان دادن به ایشان است. جمله ﴿مَنْ

الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ ﴿﴾ در حقیقت منافقانی را دربردارد که در زبان و عمل رفتار نفاق گونه دارند. از تدبیر در عبارت «لایحزنک» و «الیوم یئس» چنین فهمی حاصل می گردد که گویا در عین حال که امروز روز یأس کفار است، اما رفتار نفاق گونه نیز نباید ناراحتی برای پیامبر ایجاد کند. در ادامه بحث «یا ایها الرسول» این مطلب نیز قابل توجه است که خداوند برخی از پیامبران را با نام آنان، مانند: (یا آدم، یا موسی، یا داود) مورد خطاب قرار می دهد، ولی هیچ گاه (یا محمد) نگفته است و شاید این به خاطر عظمت و بلندی مرتبه آن حضرت باشد. بلکه به صفات کمال یاد کرده است (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۲۴۲).

واژه محوری (در سوره مائده)	تکرار واژه	هدف هدایتی	نتیجه
رسول	فَدَجَاءَكُمْ رَسُولُنَا / ۱۵ فَدَجَاءَكُمْ رَسُولُنَا / ۱۹	يُبَيِّنْ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ.	دستاورد رسالت، آوردن نور و کتاب مبین است.
	يَأَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ / ۴۱.	بیان واقعیت و دلداری پیامبر.	نتیجه عدم طهارت قلب، خواری در دنیا و عذاب در آخرت است أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.
	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ... رسالته / ۶۷	ابلاغ دستور.	تکمیل دین و اتمام نعمت.

<p>ترس از تکذیب مقدم بر ترس از کشتن پیامبران.</p>	<p>تفکیک دو جریان: فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ.</p>	<p>أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ / ۷۰</p>
<p>انحراف از حق با اتمام حجت.</p>	<p>ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ.</p>	<p>مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ / ۷۵</p>
<p>نتیجه گوش کردن به ندای قرآن ایمان است.</p>	<p>تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ.</p>	<p>وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْ الرُّسُولِ / ۸۳</p>
<p>رسالت تنها وظیفه پیامبر است. لزوم بسترسازی برای اطاعت در جامعه.</p>	<p>وَاحْذَرُوا.</p>	<p>وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرُّسُولَ / ۹۲ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ / ۹۹</p>
<p>عَلامُ الْغُيُوبِ. پاسخ به دعوت رسالت چه بود؟</p>	<p>فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ</p>	<p>يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ / ۱۰۹</p>

۵.۴. تکرار واژه‌های متنی سوره

عامل دیگر انسجام متنی تکرار واژه‌های مرتبط در نوشتار است. دقت در واژه‌های پر کاربرد که به واژه‌های متنی نیز مشهور شده‌اند، در این سوره ما را به هدف آن نزدیک می‌کند. در واقع، تکرار عاملی است که طی آن، عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شوند. در این میان، به برخی از این واژه‌ها اشاره‌ای گذرا می‌شود و در نهایت، به رابطه مفهومی میان آن‌ها می‌پردازیم.

۵. ۴. ۱. تکرار جمله مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

اما مقصود از «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» چیست؟ با توجه به اهمیت این امر که خداوند در صورت عدم تبلیغ آن، به تهدید پیامبرش روی می آورد، بهتر نبود به صورت آشکارا موضوع تبلیغ بیان می شد؟

اینک برای پاسخ پرسش بالا می بایست در نگاهی مجموعی به بررسی آن پرداخت. احکام براساس «ما انزل الله»: براساس سیاق این دسته از آیات، مطابقت احکام بر اساس «ما انزل الله» مورد تأکید قرار گرفته است. مراحل بیان آن در جدول زیر ترسیم شده است. همچنین علاوه بر دستور به تطابق احکام با قرآن، به عدم تبعیت از هوا و هوس مردم دستور می دهد «فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ». علامه طباطبایی درباره مرجع ضمیر «اهواءهم» می گوید: منظور از آن مردم یا خصوص اهل کتاب است، (همچنان که ظاهر آیات قبل آن را تأیید می کند) و یا عموم مردم است (همچنان که آیات بعد آن را تأیید می نماید) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/ ۵۷۲).

در مرحله پایانی در آیه ۴۷ پس از تکرار عدم تبعیت از خواسته های دیگران، به مطلب جدیدی اشاره دارد که به قدری مهم و اساسی است که گویا چینش آیات قبل برای رسیدن به این نکته باشد. درباره این آیه، هر چند شأن نزول خاصی مطرح شده و مراد از فتنه، فریب احتمالی توسط یهود است، اما این هشدار در سایر شئون اجتماعی نیز قابل اجرا و پند است. در این جمله، خدای تعالی پیامبرش را مأمور کرده به اینکه از فتنه آنان بر حذر باش: «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ» روشن است که این سفارش به معنای عدم تطابق با عصمت پیامبر نیست. اما می تواند دلیلی روشن بر حساسیت جهت هدایتی سوره داشته باشد. نیز عبارت «عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» که در ادامه این آیه بیان می شود، نشان از حساسیت آن دارد. از آنجایی که جهت هدایتی سوره بر مسئله امامت بنا شده است و قراین بی شماری بر آن دلالت دارد، این گونه سفارش ها در این سوره و چینش های حکیمانه آیات، بی دلیل به

حساب نمی آید.

بنابراین، با توجه به قراین موجود می توان به این نتیجه رسید که مراد از «ما انزل الیک» در آیه، همان ابلاغ ولایت است؛ زیرا از طرفی به پیامبر قوت قلبی داده شده است که «والله یعصمک من الناس» و از طرف دیگر، این ابلاغ باعث اكمال دین گردیده و نعمت تمام شده است. از سویی نیز تنها ولی و سرپرست مردم در آیه ولایت منحصر در شخص مورد نظر شده است.

واژه محوری (در سوره مائده)	تکرار واژه	هدف هدایتی	نتیجه
حکم، ما انزل الله	فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ / ۴۲	حکم باید عادلانه باشد، حتی در مقابل یهود و عالمان فاسد آنان.	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ.
وَكَيْفَ يُحْكِمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ / ۴۳	شگفت است که کتاب خدا باشد و بدان عمل نشود.	نشانه ایمان، عمل به کتاب اوست: وَمَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ.	
وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ / ۴۴	کتاب خدا هدایت و نور است. بنابراین، ترس از کافران بی مورد است.	حقیقتاً کافرنده و حق را پوشانده اند (یهود) فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.	
وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ / ۴۵	تأیید و تشویق بر اجرای حکم قصاص.	مصادق ظالم شده اند (یهود) زیرا دستورهای خداوند به سود مردم است. فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.	

فسق، یعنی خارج شدن چیزی از محل اصلی (نصارا) فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰسِقُونَ.	تورات و انجیل هر دو کتاب خداست، ولی نصارا دین را از مدار اصلی خارج کردند.	وَلِيُحْكَمَ أَهْلَ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۙ ۴۷
مسابقه انجام خیرات؛ زیرا بازگشت همه به سوی اوست. فَأَسْتَبِيهُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.	قرآن سه صفت ویژه دارد، حق است، تصدیق کننده کتب قبل است و مهیمن است، یعنی تسلط بر دیگر کتب دارد، ولی هدف اصلی آزمایش است. وَلٰكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ.	فَأَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۙ ۴۸
هدایت انسان ها در پرتو عمل به امر تبلیغی ولایت است. إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَٰفِرِينَ.	امر به تبلیغ دستور الهی در عین تهدید. وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ.	يَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

۵.۲.۱. واژه «الیوم» در این سوره سه مرتبه به کار رفته است. به کار رفتن (ال) تعریف

بر سراسر نشان دهنده اشاره به روزی خاص است که در آن دین کامل شده

و کافران مایوس گشته اند. برخلاف نظر برخی که مراد از «الیوم» را طول دوران

نزول قرآن می دانند (طبری، ۱۴۰۲: ۹۴/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۰۴/۱)، روز نزول آیه، مورد نظر بوده است، یعنی همین روز با بیان خاص که در آن دین کامل گشته است. بنابراین، اگر مراد از «الیوم» را دوران نزول بدانیم، نیاز به قرینه لفظی و یا معنوی در آیه است، در حالی که تمام قراین موجود در آیه اشاره به روز معین می کند. عباراتی مانند «يَسَّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ، أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا».

۵.۲.۲. واژه «دینکم» چهار مرتبه (مائده/ ۳، ۵۵، ۷۷) و (دینا) یک مرتبه (مائده/ ۳) به کار رفته است. در واقع، دین اسلام به عنوان مصداق رضایت خداوند مطرح شده است. در تمام این موارد، دین که مشترک لفظی است، به معنای آیین است. در این آیه یأس کافران از دین مطرح شده است، نه یأس کافران از مسلمانان، و این بدین معناست که ارتباط ویژه ای میان اکمال دین و یأس از دین مطرح است. در واقع، زمانی یأس از دین مطرح می گردد که کفار با ابلاغ امر ولایت به کلی از نابودی دین اسلام ناامید گردیده اند و مجبورند برای حفظ آن یا جزء منافقان قرار گیرند یا همچنان در زمره مخالفان باقی بمانند.

۵.۲.۳. واژه «نعمت» و «اکمال»: واژه نعمت در نگاه معنا شناسی به امور مادی اطلاق می شده است، اما زمانی که همین واژه در ساحت قرآن قرار می گیرد، معنایی فراتر از معنای ذهنی خارج از قرآن را بیان می کند. این واژه در قرآن، فراتر از امور مادی به نعمت های معنوی نیز دلالت دارد. این نگاهی است که ایزوتسو توانست با ارائه این فرضیه، فصل جدیدی در رویارویی واژگان ارائه دهد. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۴-۲۰). واژه نعمت در این سوره پنج مرتبه به کار رفته است. اما مراد از نعمت که به حد اعلای خود

رسیده، چیست؟ آیا همچون روزه است که به حد روزه دلالت دارد ﴿أَتَمُّوا الصَّيَّامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ (بقره/۱۸۷) و یا همانند حج و عمره است که با روزه باید تکمیل شود ﴿وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۹۶) اما اتمام نعمت در این سوره، به معنای نهایت و تکمله نیست، بلکه به معنای این است که نعمت به حد اعلای خود رسید و با این نعمت است که دین کامل می‌شود. بنابراین، تنها نعمت ولایت است که امکان وفای به عهد و انجام حلال و ترک حرام را مهیا می‌سازد.

در چهار موردی که واژه نعمت در سوره یاد شده است، علت آن نیز یاد شده همانند: ﴿ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَنْسُطُوا إِلَيْكُمْ﴾ (مائده/۱۱) و ﴿ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ﴾ (مائده/۲۰). تنها در آیه سوم، نعمت اولاً به اتمام آن و ثانیاً به اكمال دین مقید شده است. همچنین در آیه ﴿وَلِيَسِّمِ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده/۶) نیز مراد نعمت دین است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۳۵۴).

اما سؤال اساسی این است که معنای اكمال نعمت چیست؟ آیا دین ناقص بوده است که با وجود این امر کامل گشته؟ شیخ طوسی این پرسش را ضمن اشکال و جوابی پاسخ می‌دهد که معنای اكمال دین در صورتی نیست که دین ناقص بوده باشد، بلکه دین کامل است، اما دین در معرض ناسخ و ازدیاد آن است. مانند عدد ۱۰ که عددی کامل است و زمانی که عدد ۱۰۰ آمد، نمی‌شود به آن ناقص گفت، بلکه عدد ۱۰۰ زیادترو کامل‌تر است. (طوسی، بی تا: ۳/۴۳) اما علامه طباطبایی بر این نظر است که بین اكمال و اتمام شباهت زیادی است اما آیه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾، می‌فهماند که مراد از دین، مجموع معارف و احکام تشریح شده است، چیزی که هست، امروز مطلبی بر آن معارف و احکام افزود شده و مراد از «نعمت» هر چه باشد، امری معنوی و واحد است، و گویا ناقص بوده، یعنی اثری که باید نداشته، امروز آن نعمت ناقص تمام شد و در نتیجه امروز آن معارف و احکام اثری که باید داشته باشند،

دارا شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۸/۵).

۵.۲.۴. میثاق: در این سوره به میثاق بنی اسرائیل اشاره شده و از میان میثاق‌هایی که در سرتاسر قرآن آمده، تنها به سه مورد آن اشاره رفته است. در موردی به انتخاب ۱۲ نقیب ﴿وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾ (مائده / ۱۲) و در دیگری به ارسال رسل اشاره دارد ﴿وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا﴾ (مائده / ۷۰). قابل توجه است که هر دو آیه به میثاق در برابر ارسال رسل و تبعیت از آن‌ها دلالت دارد، اما در آیه ۱۲ انتخاب ۱۲ نقیب مقدم شده است. این خود می‌تواند تأکیدی بر فضا و سیاق کل سوره داشته باشد؛ زیرا سوره بر مدار ولایت سخن می‌گوید. در ادامه، خداوند کفر و سرکشی اهل کتاب را به دلیل عدم پذیرش انتخاب خداوند اعلام می‌دارد. در نتیجه، قساوت بردل‌هایشان حاکم شد. ﴿فَبِمَا نَقُضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ (مائده / ۱۳). همین قساوت قلب، علت تحریف کلام نیز شده است. ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ﴾ (همان).

۵.۴.۶. عدم ترس: این مفهوم از ماده «خ و ف» ۸۱ بار، «ر ه ب» ۸ بار، «و ج ل» ۵ بار، «ر ع ب» ۵ بار، «ف ز ع» ۵ بار، «خ ش ی» ۴۱ بار و «ش ف ق» ۹ بار در قرآن آمده است (دائرة المعارف قرآن کریم، واژه ترس) از ریشه (خ ش ی) در این سوره چهار بار تکرار شده است، اما در جای دیگر این گونه نهی از ترس با واژه ﴿لَا تَخَافُوا﴾ (فصلت / ۴۱) به کار رفته است که نقش هدایتی یک‌سان دارند. اما چرا این پیام در این سوره تکرار می‌شود؟ آیا رابطه‌ای با هدف هدایتی سوره دارد؟ آیا این ترس مذموم است؟ در آیه سوم پس از یأس کافران از دین ﴿الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْن﴾ و در آیه ۴۴ پس از اثبات انتساب کتب آسمانی به خداوند می‌فرماید که احکام

را به خاطر ترس از مردم تغییر ندهید ﴿فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوْنَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ و در آیه ۶۷ پس از دستور به ابلاغ مأموریت ویژه، به پیامبر اطمینان داده شده است که ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾. شیخ طوسی درباره مخاطب آیه ۴۴ دو وجه را مطرح می کند: وجه اول این است که مخاطب آیه علمای یهود است. یعنی ای علمای یهود، در اظهار صفت پیامبری محمد ﷺ و اظهار حکم رجم از مردم نترسید، و وجه دوم این است که مخاطب، پیامبر و امت او هستند، یعنی در اقامه حدود و احکام الهی از مردن نترسید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۰۶).

روشن است که مطلق ترس مذموم نیست. ترس از خشیت خداوند و بزرگی حادثه و اینکه از تحمل بشر خارج است، مثبت است. حتی خداوند این گونه ترس را نیکو دانسته است ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (نور/۳۷).

۶. ارتباط منطقی جملات

عامل دیگر انسجام متنی وجود ارتباط منطقی بین جمله هاست. این ارتباط به گونه های متفاوتی در نوشتار دیده می شود. از جمله آن می توان به ارتباط افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی اشاره کرد.

۶.۱. ارتباط افزایشی

این ارتباط به گونه ای است که می توان مطلبی را بر جمله قبل افزود. کاربرد آن در زبان عربی با استفاده از حروف عطف میسر می گردد. در سوره مائده نیز این گونه ارتباط در آیه سوم دیده می شود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ افزایش سه ویژگی اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت، در این مرحله و عطف بر یکدیگر نشانه قابلیت بیان ویژگی های دیگر بر این مورد است. همچنین

روابط معنایی و منطقی میان آن‌ها از عوامل بسیار مهم ایجاد انسجام متنی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

در این جستار، با کمک عناصر انسجام متنی، سیاق واحد در کل سوره اثبات گردید. از جمله این عوامل می‌توان به کشف و اثبات ارتباط معنایی و ساختاری میان واژگان پرکاربرد، کشف عناصر انسجام متن که قادر می‌سازد هر قطعه‌ای از گفتار یا نوشتار به عنوان یک متن واحد ایفای نقش کند، اشاره کرد. این عناصر عبارت‌اند از: استطراد، حُسن مطلب و تکرار واژگان کلیدی سوره. بنابراین، سوره از وفای به عهد شروع شده و آیات اکمال دین و ابلاغ ولایت و سپس با بیان آیه تبلیغ به بررسی و تأکید بر امر ولایت می‌پردازد. تمامی آیاتی که در فواصل این سه آیه مطرح می‌گردد، با چنان ارتباط فراخطی به هم پیوستگی دارد که گویی هدف خاصی مورد نظر بوده است. همچنین درباره ارتباط سیاقی در آیه سوم درباره جمله‌های «الیوم اکملت...» و «الیوم یئس...» دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، از جمله اینکه این جمله‌ها معترضه‌اند و با سیاق آیات هم‌خوانی ندارند. سپس به کمک عناصر فراخطی به این نتیجه دست یافتیم که هر چند این جمله‌ها معترضه هستند، ولی از نظر سیاقی بی‌ارتباط به ماقبل و مابعد خود نیستند.

بنابراین، در این پژوهش بدون در نظر گرفتن بحث‌های نظری تلاش گردید از طریق بررسی آیات سوره مائده، گامی عملی در اثبات نظریه نظم فراخطی و وحدت موضوعی برداشته شود. بدین ترتیب، ثابت گردید که هر کدام، از سوره قرآن، هدف یا اهداف خاصی را دنبال می‌کند و آیات به ظاهر پراکنده هر سوره در مسیر همان هدف یا اهداف سامان یافته‌اند.

کانون توجه در این سوره عبارت‌اند از: (ولی، نعمت، الیوم، میثاق، تبلیغ)، پس از

اثبات فهم هدایتی به کمک عناصر انسجام متنی به این نتیجه می‌رسیم که خداوند در این سوره غرض خاصی را در پی داشته است که از آن جمله اثبات مسئله ولایت و تبلیغ ولایت بوده است.

منابع

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنوير*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه التاريخ، بی‌تا.
۲. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، به کوشش عبدالسلام محمد، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور؛ *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه: آرام، تهران، سهامی، ۱۳۶۱ ش.
۵. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق: علی عبد الباری عطیة، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۶. بهشتی، احمد، «دین و سیاست: اكمال دین و اتمام نعمت»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال ۵۳، ش ۶.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۸. جلائیان اکبرنیا، علی، *ابلاغ ولایت، اكمال رسالت، بندارها و پاسخ‌ها*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸ ش.
۹. حسینی، سید جعفر، *اسالیب البدیع*، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۹ ق.
۱۰. حقی بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۱۱. خامه‌گر، محمد، (کارایی نظریه هالیدی در ترسیم انسجام متنی سوره‌های قرآن)، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، مشهد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ش ۸۶، بهار ۱۳۹۷ ش.
۱۲. _____، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. خطیب، عبد الکریم، *التفسیر القرآنی للقرآن*، چاپ اول، بیروت، دار الفکر العربی، بی‌تا.
۱۴. *دائرة المعارف قرآن کریم*، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، <http://qurandoc.com>.
۱۵. دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحدیث*، چاپ دوم، قاهره، دار احیاء الکتب

- العربية، ۱۳۸۳ق.
۱۶. ذوقی، امیر، (نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم) *مطالعات قرآن و حدیث*، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ش.
 ۱۷. زمخشری، جارالله محمود، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
 ۱۸. سیوطی، جلال الدین، *اتقان در علوم قرآن*، ترجمه سید محمود طیب حسینی، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۹ش.
 ۱۹. ———، *تناسق الدرر*، تحقیق عبدالله محمد الدرویش، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.
 ۲۰. شحاته، عبدالله محمد، *درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها*، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.
 ۲۱. شفایی، احمد، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳ش.
 ۲۲. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی.
 ۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
 ۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
 ۲۶. ———، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ش.
 ۲۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.
 ۲۸. طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 ۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
 ۳۰. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الملائک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ق.
 ۳۱. قائمی نیا، علی رضا، *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ش.

۳۲. قرائی سلطان آبادی، احمد، «تبیین فهم آیه اکمال دین براساس نظم فراخطی قرآن»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، دوره ۶، ش ۱، ش پیاپی ۱۱، بهار ۱۳۹۶ ش.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، اسوه، قم، ۱۳۷۰ ش.
۳۵. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، تفسیر مواهب علیه، تهران، اقبال، ۱۳۶۹ ش.
۳۶. لطفی پورساعدی، کاظم، درآمدی به سخن کاوی، مجله زبانشناسی، سال ۹، ش اول، ۱۳۷۱ ش.
۳۷. لطفی، سیدمهدی، (پیوستگی متنی سوره‌های قرآن) مطالعات قرآن و حدیث، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۳۸. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، چاپ اول، تهران، دار محبب الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۳۹. مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۰ ق.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۴۱. نجارزادگان، فتح‌الله، «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها درباره دیدگاه شیعه»، دو فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال پنجم، ش ۱، پیاپی ۹.
۴۲. واعظی، احمد، «ساحت‌های معناپژوهی»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۹.
۴۳. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، مصر، ۱۳۸۳ ش.